

بازخوانی جنبش انصارالله یمن در بستر انقلاب اسلامی ایران

جلیل دارا* / محمود بابایی**

چکیده

انقلاب اسلامی ایران یکی از اتفاقات مهم و تأثیرگذار بر جامعه شیعیان یمن بوده است؛ چون انقلاب اسلامی همواره یکی از ماموریت‌های خود را حمایت از خیزش‌های مردمی علیه رژیم‌های مستبد اعلام کرده است. از طرفی رهبران ایران نیز، داعیه صدور نرم انقلاب را داشته و دارند. واقعیت حمایت جمهوری اسلامی ایران از مستضعفین در برابر مستکبرین و همچنین تصویرسازی‌های ایران هراسانه از صدور این انقلاب، در کنار تهدید و تحدید منافع عربستان در منطقه، موجب شکل‌گیری دو قطبی موجود در اندیشه افراط‌گرایانه اعراب عربستان شده است. سؤالی که برخی مطرح می‌کنند این است که آیا تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر یمن و ترویج اندیشه‌های رهبران قبلی و فعلی انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی یمنی همچون انصارالله از نوع سخت بوده، یا به شکل نرم اتفاق افتاده است؟ در واقع تصویرسازی از مبانی نظری و اندیشه‌ای جنبش انصارالله به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر تأثیرگذار در حوادث اخیر یمن و متاثر بودن آن از انقلاب اسلامی ایران را چگونه می‌توان تحلیل نمود؟ فرضیه پژوهش این است که تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر جنبش انصارالله و الحوثی‌ها بر دو محور تأثیرپذیری اندیشه‌ای - فکری و تأثیرپذیری جریانی و مبتنی بر «نظریه پخش» قابل تحلیل است. به عبارتی انقلاب اسلامی هم تأثیر فکری و هم تأثیر جریانی بر جنبش انصارالله داشته است.

واژگان کلیدی

انصار الله، یمن، الحوثی‌ها، انقلاب اسلامی ایران، صدور نرم انقلاب.

dara@modares.com

*. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.

babaie.isu@uk.ac.ir

** استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر کرمان.

تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۸

طرح مسئله

یمن در جنوبی‌ترین بخش شبه جزیره عربستان سعودی قرار گرفته است و در سرشماری سال ۲۰۱۴ میلادی، ۲۶ میلیون و ششصد هزار نفر جمعیت دارد. (<https://www.cia.gov>) مردم یمن از اقوام سامی و عرب قحطانی هستند. عرب قحطانی، مادر و ریشه عربیت است که عرب‌ها را بدان منتسب می‌کنند. (مظفر، ۱۳۶۸: ۲۰۱) مردم یمن از ۱۴۰۰ سال پیش؛ یعنی هم‌زمان با ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان و آغاز دعوت ایشان، به اسلام گرویدند. به همین علت دین رسمی این کشور اسلام است و حدود ۹۹ درصد مردم آن مسلمان هستند. اکثریت جمعیت آنها شیعیان زیدیه و شافعی مذهب می‌باشند که بیشتر در مناطق شمالی یمن ساکن هستند و در بخش جنوبی آن تنها ۷ الی ۸ هزار شیعه زندگی می‌کنند. (کریملو، ۱۳۹۴: ۳۳)

سابقه تلاش زیدی‌ها برای برپایی حکومت به نیمه دوم قرن سوم هجری قمری باز می‌گردد که در شمال ایران و یمن اقدام نمودند. در شمال ایران چندان موفق نبودند؛ اما در یمن بیش از هزار سال توانستند در حکومت نفوذ داشته باشند. (الخضری، ۱۴۲۹: ۵) در سال ۲۸۰ هجری، یحیی بن حسن قاسم رسی، حکومتی مستقل به نام شیعیان زیدی مستقر کرد و از آن زمان تاکنون یمن به‌ویژه بخش‌های شمالی آن به‌عنوان پایگاه سنتی شیعیان محسوب می‌شود.

جایگاه خاندان الحوثی به‌عنوان یکی از خاندان‌های شیعی یمنی در پیشبرد اهداف جنبش شیعیان زیدی یمن در اشکال رسمی، همچون تشکیل «حزب الحق» و «جمعیه الشباب المؤمن» و غیررسمی، همچون نبردهای نظامی با دولت مرکزی قابل توجه است. در سال‌های اخیر با افزایش تحركات جنبش شیعیان زیدیه در برابر دولت مرکزی یمن، دولت عبدالله صالح (رئیس‌جمهور سابق) با حمایت برخی از گروه‌های سلفی و ارتش در داخل و پشتیبانی کشورهای هم‌چون عربستان در سطح منطقه‌ای، به سرکوب، دستگیری و ترور رهبران زیدیه اقدام ورزیده است. در این بین، خاندان الحوثی (علامه بدرالدین الحوثی و پسران وی)، همواره در کانون انتقادات و فشارهای مقامات دولتی و گروه‌های سلفی قرار داشته‌اند.

تعریف مفاهیم و نظریات

به‌منظور فهم دقیق‌تر، در بخش بررسی ادبیات مفهومی به بررسی سه واژه «جنبش»، «انقلاب» و «تشیع» می‌پردازیم و پس از آن، چارچوب نظری بحث را درباره نظریه‌های صدور انقلاب بررسی می‌نماییم.

تعریف مفاهیم

الف) جنبش:^۱ جنبش پدیده‌ای اجتماعی است که در ابعاد مختلف به تغییر در ترکیب‌بندی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و یا فرهنگی منجر می‌شود. بسته به اینکه این جنبش در چه فضایی شکل بگیرد، می‌تواند سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی باشد و می‌تواند به تغییرات عمیق سیاسی بینجامد. این جنبش‌ها در کشورهای تحت حکمرانی مردم‌سالار، سبب پیشرفت نظام و توجه به مشکلات می‌شود؛ اما در سایر کشورها و از آن جمله کشورهای منطقه غرب آسیا اغلب جنبش‌ها برخاسته از انباشت مطالبات و بحران‌های طولانی مدت است؛ بحران‌هایی که ناشی از سوء مدیریت نخبگان حاکم بوده و در دراز مدت، منجر به پیدایش طبقه فقیر، تهیدست و حاشیه نشین شده است. (واعظی، ۱۳۹۰: ۱۲۹ - ۱۲۸)

ب) انقلاب:^۲ انقلاب، مفهومی بسیار پیچیده است که در علوم سیاسی درباره تعریف آن و همچنین ابعاد و عناصر آن اختلافات زیادی وجود دارد. لذا تعاریف مضیق و موسعی از این مفهوم صورت گرفته است. انقلاب را به معنای تحول و دگرگونی سریع و بنیادین در حوزه‌های اجتماعی - سیاسی معنی کرده‌اند. در اینجا «انقلاب اسلامی ایران» به مجموعه رخ دادهایی اطلاق می‌شود که از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ به وقوع پیوستند و به تغییر رژیم شاهنشاهی پهلوی منجر شد. اندیشه و ایدئولوژی حاکم بر این انقلاب با انقلاب‌های دیگر تفاوت‌های عمده‌ای داشت؛ چون انقلاب اسلامی ایران با ماهیت «اسلامی» بستر تأثیرگذاری بر جریان‌های مختلف اسلامی را فراهم نمود. در واقع نکته قابل توجه اینجاست که تا پیش از انقلاب اسلامی در ایران، اسلام تنها به عنوان یک ایدئولوژی مذهبی محسوب می‌شد، اما با وقوع انقلاب اسلامی جنبه‌های سیاسی آن نیز به فعلیت رسید و تفکر شیعه با انسجام ساختاری خود در ایران نشان داد که می‌تواند توانایی ایجاد حکومت اسلامی را داشته باشد. (جهانگیر و اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۳۲)

ج) تشیع: برای واژه «شیعه» معانی همسویی همچون فرقه، حزب، گروه، امت، پیروان، یاران، هواداران، همراهان، همکاران، دوستان، اشاعه‌دهندگان و تقویت‌کنندگان را به کار برده‌اند. واژه «تشیع» نیز از این ریشه و مصدر باب تفعّل و از نظر لغوی، به معنای یاری کردن و پیروی نمودن جماعتی از یک شخص خاص است. (ابن منظور، ۱۹۵۶: ۸ / ۱۵۸ - ۱۵۷)

در تعریف شیعه از سه رویکرد می‌توانیم تبعیت کنیم: یکی رویکرد سیاسی و جهادی، دیگری رویکرد تفسیری و معرفت‌شناختی و سوم رویکرد عرفانی و باطنی. البته هر سه رویکرد با هم قابل جمع نیز هستند. طبق رویکرد سیاسی، «شیعه» عبارت است از گروهی که به ولایت، وصایت و

1. Movement.
2. Revolution.

امامت امیرالمؤمنین امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله معتقد است و استناد می‌کند به روایت معروف «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» (صَفَّارِ قَمِی، ۱۳۶۲: ۹۷) اما براساس رویکرد تفسیری و معرفت‌شناختی، شیعه گروهی است که در تفسیر و فهم کلمات قرآن و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله، اولویت را به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دهد و به این حدیث استناد می‌کند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي.» (شیخ مفید، ۱ / ۲۳۳) و از نظر رویکرد باطنی و عرفانی، شیعه عبارت از گروهی است که به ولایت معنوی و باطنی حضرت علی علیه السلام و اولاد معصوم او علیهم السلام به عنوان واسطه بین عالم لاهوت و عالم ناسوت اعتقاد دارد.

باید متذکر شد که اکثریت جمعیت شیعه همواره به رویکردهای سه‌گانه معتقد بوده‌اند. البته *مفاتیح العلوم*، شیعیان را به شش زیرگروه تقسیم می‌کند: اثنی عشری معتقد به دوازده امام، زیدیه (پیروان زید بن علی علیه السلام)، کیسانیه (پیروان کیسان، غلام علی بن ابی‌طالب علیه السلام)، عباسیه (منسوب به آل عباس ابن‌عبدالمطلب)، غالیه، و امامیه. امامیه نیز خود دارای ۷ تیره است.

اما در توضیح زیدیه باید گفت که ورود اسلام به یمن به دست امام اول شیعیان، امام علی علیه السلام (سیحانی، ۱۳۸۲: ۲ / ۴۵۳) ویژگی خاصی به شیعیان این منطقه داده است. با شکل‌گیری مذهب زیدیه، در اوایل قرن سوم هجری، بخشی از مردم یمن به مذهب زیدیه گرایش یافتند. اولین کسی که در یمن مردم را به مذهب زیدیه دعوت کرد، یحیی بن حسین بن قاسم رسی در قرن سوم هجری بود. او از زید بن علی علیه السلام پیروی می‌کرد و از عراق به یمن آمده بود و به نشر و ترویج مذهب می‌پرداخت و به مرور زمان به «امام» شهرت یافت. (مظفر، ۱۳۶۸: ۲۱۳) یکی از مهم‌ترین عقاید زیدیه و وجه افتراق آنها با شیعیان دوازده امامی این است که آنها معتقدند امام باید امامت خود را آشکار کند و در این راه، قیام به شمشیر بنماید. بنابراین امامی که قیام نکند و برای احقاق حق مسلمانان به پا نخیزد، از نظر مذهب زیدیه مشروع نیست. (جعفری، ۱۳۷۱: ۳۰۹)

چارچوب نظری

الف) صدور انقلاب اسلامی و ارائه دیدگاه‌ها

ماهیت اعتقادی و مردمی انقلاب اسلامی ایران و نظام برخاسته از آن، از سویی منجر به شکل‌گیری دشمنی و عداوت قدرت‌های حاکم جهانی نسبت به جمهوری اسلامی ایران شد و از سوی دیگر، ایران اسلامی را به کانون الهام بخش و بیداری ملت‌ها به‌ویژه مسلمانان تبدیل کرد. بر این اساس، رهبری انقلاب اسلامی، از آغازین روزهای پیروزی انقلاب برای انتقال آموزه‌ها و تجربیات خویش به

دیگر جوامع، احساس وظیفه نموده، با طرح اندیشه صدور انقلاب درصدد پاسخ‌گویی به این نیاز دو سویه انقلاب و طرفداران فراملی آن برآمده است.

امام خمینی در مقام رهبری انقلاب به صراحت عنوان نمودند: ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم. (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۲ / ۱۴۸) این موضع‌گیری قاطعانه البته برداشت‌های مختلفی را در پی داشت که به ارائه دیدگاه‌های مختلف در زمینه صدور انقلاب انجامید. لذا از آنجا برای هر کدام از این دیدگاه‌های مختلف محملی نظری وجود دارد، در اینجا ضمن اشاره به چند نظریه مطرح در باب بازتاب انقلاب‌ها نظریه‌ای که پژوهشمان مبتنی بر آن قرار گرفته است را مفصل‌تر تبیین می‌نماییم.

ب) نظریه اول: صدور انقلاب به شکل سخت افزاری و نظامی

اولین برداشتی که به غلط از سخنان امام خمینی صورت گرفت این بود که انقلاب اسلامی می‌خواهد به صورت فیزیکی به فتوحات خود ادامه دهد؛ یعنی جمهوری اسلامی، بنا دارد تا در کشورهای اسلامی دیگر و حتی کشورهای غیراسلامی نیز دخالت نماید. لذا تهاجم دائمی و مستمر به ارزش و وضع موجود و از طرفی تلاش در جهت نابود ساختن رژیم‌های پیرامونی، هدف اصلی این دیدگاه مطرح می‌شد. استفاده از توانمندی‌های نظامی، چریکی و اطلاعاتی و تجهیز تسلیحاتی جنبش‌های آزادی‌بخش و به خطر افکندن پایه‌های حکومت‌های مستبد در کانون توجه این گروه قرار داشت. از این دیدگاه که البته طرف دارانی نیز در بین انقلابیون داشت، بهترین استفاده صورت گرفت تا به پدیده «ایران هراسی»^۱ دامن زده شود. (معاونت پژوهشی، ۱۳۷۴: ۱۴ - ۱۳) هرچند اگر این اتفاق هم رخ نمی‌داد، ایران هراسی به‌عنوان یک راهکار برای مقابله با جمهوری اسلامی به کار گرفته می‌شد.

ج) نظریه دوم: ام القری یا الگوسازی اسلامی

نظریه ام القری برای نخستین بار توسط عبدالرحمن کواکبی در مورد شهر مکه که مرکز دینی جهان اسلام است، به کار برده شد. (نخعی، ۱۳۷۶: ۳۰) در ایران، طرف داران این دیدگاه معتقد بودند که باید یک امت واحد نمونه در داخل بسازیم و از تمامی ابزارهای انقلابی و قانونی برای تحقق این هدف سود ببریم، لذا مادامی که در داخل موفق به تثبیت اوضاع نشده‌ایم، نباید در قبال جامعه جهانی موضعی تعرضی داشته باشیم، بلکه پس از آنکه توانستیم اوضاع داخل را بهبود بخشیده و به اهداف خود دست یابیم، باید تدریجاً وارد مخاصمه با جامعه جهانی و محیط پیرامون به منظور تغییر آن شویم. در صورتی که منافع ما در نقطه‌ای به خطر افتاد و مخاصمه و برخورد خشن کارساز نبود، اقدام

1. Iranophobia.

به یک مصالحه بین المللی و تفاهم با کشورهای قدرتمند، ضروری است. این دیدگاه در داخل، متأثر از اندیشه‌های انقلابی و در جامعه جهانی، مدافع تفاهم با سیاست دولت‌های قوی بود. (معاونت پژوهشی، ۱۳۷۴: ۱۵ - ۱۴) البته منتقدین، این نظریه را عمل‌گرایانه^۱ می‌دانند و معتقدند حکومت اسلامی باید در برابر ظلم و بی‌عدالتی قیام کرده و از مظلوم در هر جای جهان اسلام دفاع کند. (سجادی، ۱۳۸۱: ۱۷۱)

ج) نظریه سوم: پخش یا اشاعه^۲

این نظریه برای اولین بار توسط هاگر استرن^۳ در سال ۱۹۵۳ میلادی مطرح شد. استرن که جغرافی‌دان بود و ابتدا این نظریه را در پدیده‌های کشاورزی و شیوع بیماری مطرح کرده بود، موفق شد آن را در زمینه گسترش نوآوری‌ها و پدیده‌های کشاورزی تبیین نماید. نظریه پخش در واقع به تبیین و تشریح چگونگی و کیفیت گسترش یک پدیده در طول زمان و در یک فضای جغرافیایی می‌پردازد و تلاش دارد تا به این وسیله، علل اشاعه یک پدیده نوظهور را از منطقه‌ای به مناطق دیگر کشف نماید. (Palloni, 2007: 2-3)

استرن شش عنصر اصلی را در پخش مؤثر می‌داند و معتقد است که باید به این شش عنصر توجه کرد: ۱. حوزه یا محیطی که پخش در آن ظاهر می‌شود، ۲. زمان پخش که ممکن است مقطعی یا مداوم باشد، ۳. موضوع پخش، ۴. مبدأ یا خاستگاه پخش، ۵. مقصد آن و ۶. مسیر حرکت پدیده‌ها. علاوه بر عناصر و مولفه‌های مؤثر در اشاعه یا پخش، استرن به چند نوع پخش در سیستم‌های مختلف اشاره می‌کند که البته بایستی توجه داشت انواع پخش به این موارد محدود نمی‌شود و یا می‌تواند تلفیقی از این موارد باشد:

الف) پخش جا به جایی:^۴ این نوع پخش زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای یک ایده مخصوص، به‌طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت می‌کنند و از این طریق، ابداعات و نوآوری‌هایی را به سرزمین‌های جدید تسری می‌دهند.

ب) پخش سلسله مراتبی:^۵ در پخش سلسله مراتبی رویدادها در قالب سلسله مراتب از مبدأ به مقصد انتقال می‌یابند که مبدأ از نظر سلسله مراتبی در جایگاه برتری قرار دارد. به علت جایگاه برتر مبدأ، در این نوع اشاعه یا پخش، سرعت پخش بسیار بالاست. (Haggett, 1972: 305)

1. Pragmatic.
2. Diffusion of Innovations Theory.
3. Hager Strand.
4. Relocation diffusion.
5. Hierarchic diffusion.

ج) **پخش واگیردار:**^۱ گسترش ایده‌ها و اندیشه‌ها بدون توجه به سلسله مراتب را پخش واگیردار می‌گویند. این فرایند به شدت تحت تأثیر فاصله قرار دارد. (Richard, 1975: 296)

مطالعه دقیق بیانات امام خمینی و مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که صدور انقلاب اسلامی بیشتر منطبق با نظریه پخش می‌باشد، اگرچه ایده ارائه الگوی اسلامی نیز از شیوه‌های جمهوری اسلامی برای تأثیرگذاری بر سایر کشورهای اسلامی به‌شمار می‌رود. امام خمینی می‌گوید:

اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنی غلط را از آن برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می‌دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند، ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود. آرزوی ما این است ... (امام خمینی، ۵۹/۷/۲۸)

رهبر معظم انقلاب نیز در آغاز ایام رهبری، قالب صدور انقلاب را نه یک قالب نظامی که فرهنگی برشمردند: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سردمداران تبلیغات جهانی روی اشاعه فرهنگ انقلابی اسلام جنجال راه انداختند و آن را به‌عنوان صدور انقلاب - با معنای غلطی که از صدور انقلاب می‌کردند - مورد تهاجم تبلیغاتی قرار دادند. همه رسانه‌ها در سرتاسر عالم، روی این نکته و کلمه تکیه می‌کنند که جمهوری اسلامی درصدد صدور انقلاب است. خباثت آنها در اینجاست که صدور انقلاب را به معنای صدور مواد منفجره و ایجاد درگیری در گوشه و کنار عالم و از این قبیل کارها معرفی می‌کنند که این هم مثل بقیه خباثت‌های تبلیغاتی دنیای غرب، یک ترفند رذیلانه است». (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۴/۱۹)

تأکید بر بعد فرهنگ به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در «پخش»، وجه اشتراک این نظریه با نظریه «قدرت نرم» است که جوزف نای آن را مطرح کرده است. نای در تبیین منابع قدرت نرم به این نکته تأکید می‌کند که فرهنگ به‌عنوان یکی از منابع سه‌گانه اصلی قدرت نرم بایستی مورد توجه سیاست‌مداران قرار بگیرد. (نای، ۱۳۸۷: ۵۱) جمهوری اسلامی نیز به نظر می‌رسد در این زمینه بر صدور نرم آرمان‌های انقلاب تأکید دارد.

معرفی جنبش‌های اسلامی یمن

یکی از دلایل اهمیت کشور یمن قرار گرفتن آن در نقطه میانی سه منطقه مهم دنیاست. وضعیت

1. Contagious diffusion.

فرهنگی حاکم بر یمن و حاکم شدن یک جریان خاص در این کشور می‌تواند تأثیرات مهمی در سه منطقه خلیج فارس، شاخ آفریقا و آسیای جنوب شرقی بگذارد. جامعه یمنی ترکیب پیچیده‌ای از تقسیمات و شکاف‌های قبیله‌ای، فرقه‌ای و مذهبی است که حیات سیاسی پرآشوب کشور را شکل داده است. یمن دارای جامعه‌ای قبیله‌ای و دارای طیف وسیعی از جنبش‌های سیاسی اسلام‌گراست. مسلمانان این کشور عمدتاً شافعیان، زیدیان، اسماعیلیان و امامیان هستند.

از آنجایی که کشورهای عربی منطقه، آمار درستی از پراکندگی جمعیتی خود، به لحاظ قومی و مذهبی ارائه نمی‌دهند، لذا نمی‌توان آمار دقیقی از میزان جمعیت شیعیان این کشورها، از جمله یمن به دست آورد. با این حال، در منابع غیررسمی عنوان می‌شود که سنی‌ها در کشور یمن در اکثریت هستند و شیعیان زیدی ۴۰ تا ۴۵ درصد از جمعیت این کشور را در اختیار دارند. اما گابریل بائر^۱ در کتاب خود تحت عنوان جمعیت و جامعه در خاور عربی، شیعیان زیدی را در اکثریت دانسته و معتقد است که ۵۵ درصد از جمعیت یمن را شیعیان زیدی تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، باید ۲ تا ۵ درصد پیروان مذهب شیعه جعفری و اسماعیلیه را نیز به جمعیت شیعیان یمن اضافه کرد (Baer, 2003: 103)

از یک منظر می‌توان احزاب یمن را از ابتدای وحدت میان دو یمن به دو دسته کلی تقسیم کرد:

الف) احزاب سیاسی که سابقه آنها به پیش از دوران وحدت میان دو یمن باز می‌گردد:

۱. احزاب چپ مانند الحزب الإشتراکی الیمنی (حزب سوسیالیست یمن)؛

۲. احزاب قومی مانند سازمان‌های ناصری، حزب بعث؛

۳. احزاب اسلامی مانند التجمع الیمنی للإصلاح (جمعیت اصلاح یمن).

ب) احزاب اداری و حکومتی که در رأس این گونه احزاب، المؤتمر الشعبی العام قرار می‌گیرد که حزب ریاست جمهوری سابق یمن، علی عبدالله صالح است. احزاب دیگری نیز هستند که از نظر مالی و تشکیلاتی احزاب وابسته به المؤتمر می‌باشند. به طور کلی در میان فعالیت‌های صورت گرفته جایگاه چند گروه قابل توجه است که به اختصار توضیح داده می‌شود:

الف) جنبش الأحرار (آزادگان)

نام دیگر آن «حزب الأحرار»، یکی از احزاب سیاسی ضد نظام امامت است که از ائتلاف تعدادی از جمعیت‌های مخفی معارض در سال ۱۹۴۴ میلادی در عدن تشکیل شد. هیئته النضال (هیئت مبارزه) از جمله مهم‌ترین این جمعیت‌های مخفی بود که توسط احمد المطاع در سال ۱۹۳۵

1. Gabriel Baer.

میلادی در صنعا ایجاد شده بود. همچنین دیگر گروه مهم، «جمعیت اصلاح» بود که در سال ۱۹۴۳ میلادی توسط محمد بن علی حسین الاکوع در شهر «إب» تأسیس شد. سومین گروه مهم تشکیل‌دهنده الأحرار، «جمعیه الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر» (انجمن امر به معروف و نهی از منکر) است که توسط محمد محمود الزبیری در سال ۱۹۴۱ میلادی در قاهره تأسیس شد. حزب الأحرار در سال ۱۹۴۷ میلادی با هدف ایجاد چارچوبی برای تجمیع تمامی گروه‌های معارض نظام امامت در شمال و جنوب یمن به گروهی با عنوان الجمعیه الیمنیه الکبری (انجمن بزرگ یمن) تحول یافت.

ب) اخوان المسلمین

جنبش اخوان المسلمین را اصولاً باید زائیده اوضاع سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر مصر در پی رواج تفکر جدایی دین از سیاست (سکولاریسم) در میان روشنفکران و آهنگ احساسات ملی‌گرایانه برای اصلاح این کشور در دوران اختناق، بعد از انقلاب ۱۹۱۹ میلادی مصر بر ضد انگلیس دانست. اخوان المسلمین را می‌توان بزرگ‌ترین گروه سیاسی سنی در جهان به شمار آورد. این جنبش در سال ۱۹۲۸ میلادی در شهر اسماعیلیه مصر به رهبری حسن البنا، بنیان نهاده شد و سپس فعالیت خود را در دیگر کشورهای عربی و اسلامی گسترش داد. اولین شعبه خارجی اخوان المسلمین در سال ۱۹۳۷ در دمشق ایجاد شد. در دهه ۵۰ میلادی، اخوان دفاتر متعددی در لبنان، سوریه، فلسطین، اردن، عراق، عربستان، اندونزی، سریلانکا و پاکستان دایر نمود.

الفضیل الورتلانی که فعال اخوانی الجزایری تبعیدی به قاهره بود، در آوریل ۱۹۴۷ میلادی وارد یمن شد. علت حضور الورتلانی در یمن به این موضوع برمی‌گردد که پیش از ورود وی به یمن، رهبران اخوان تلاش داشتند تا در عربستان شاخه‌ای از اخوان را راه‌اندازی کنند، اما به دلیل مخالفت تلویحی ملک عبدالعزیز آل‌سعود، پادشاه اسبق عربستان به سمت یمن سوق داده شدند و آنجا را برای فعالیت در شبه جزیره برگزیدند.

ورود الورتلانی به یمن یک دوره بسیار مهم در شکل‌دهی هسته‌های اخوانی و قیام علیه نظام امامت در یمن محسوب می‌شود. الورتلانی در یمن به صورت جدی در کسوت مهندسی ارتباطات، میان گروه‌ها و گرایش‌های مختلف ظاهر شد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت وحدت میان گروه‌ها و عملیاتی شدن حرکت، به صورت ویژه مدیون اوست. بدین ترتیب که مخالفین حکومت، نخستین مبشر خود را در این کشور، الورتلانی یافتند و با وی هماهنگ شدند. اخوانی‌ها با وجود اینکه اجازه فعالیت سیاسی در عربستان را نیافتند، ولی به دشمنان آل‌سعود تبدیل شدند.

ج) التجمع الیمنی للإصلاح

التجمع الیمنی للإصلاح یکی از احزاب بزرگ مخالفین در یمن است که در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۰ میلادی به وسیله عبدالله بن حسین الأحمر تشکیل شد و می‌توان گفت که هسته اصلی تکوینی آن را اخوانی‌ها تشکیل می‌دادند. (کاردان، ۱۳۹۰: ۱۷۰) اگرچه اخوانی‌ها در دوره میان تشکیل التجمع الیمنی للإصلاح تا انعقاد اولین گردهمایی آن در ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۴ میلادی کادرهای الإصلاح را از میان کادرهای اخوانی غیر مسئول در جماعت اخوان برگزیدند، با گذشت زمان و ظهور فضای تکثر سیاسی در یمن به زودی بیشتر اخوانی‌ها، در درون حرکت اصلاح قرار گرفتند و رهبران اخوانی مهم‌ترین مناصب الإصلاح را از آن خود ساختند. اخوان در این دوره، تشکیلات خود در یمن را منحل نمود، بلکه به صورت دوگانه «ترکیب در الإصلاح» و «حفظ استقلال جماعت اخوان المسلمین»، به حیات خود ادامه داد. (باروت و فیصل دراج و دیگران، ۱۹۹۹: ۳۵۰) این رویکرد البته خالی از اشکال نبود و سبب اختلاف و جدال میان جناح سلفی سنت‌گرا و طرفداران عمل‌گرایی سیاسی شد. یکی از اصولی که به طور جداگانه در اساسنامه الإصلاح بر آن تأکید شده است، تلاش مسالمت‌آمیز برای به دست گرفتن قدرت سیاسی است. در زمینه روابط خارجی، گسترش روابط با عربستان سعودی و تلاش برای حل کردن اختلافات مرزی به صورت دوستانه، تحکیم روابط با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و کشورهای عضو اتحادیه عرب، تقویت روابط دوجانبه با کشورهای شاخ آفریقا، حمایت و کمک به مردم فلسطین در مبارزه با اشغال‌گری اسرائیل و استیفای حقوق خود، همه از مسائلی هستند که در اساسنامه الإصلاح بر آنها تصریح شده است.

د) جنبش الحوثی‌ها

جنبش الحوثی تحت رهبری خانواده‌ای به نام «الحوثی» است که اعضای خانواده آنها از سادات می‌باشند. ریشه‌های جنبش الحوثی به گروه‌های سیاسی و شبه نظامی باز می‌گردد. با گسترش اسلام سلفی^۱ در یمن که به دلیل رابطه نزدیک دولت «علی عبدالله صالح» با عربستان بود، حسین الحوثی شروع به مخالفت جدی و فعالیت علیه روند پیش‌آمده کرد. (الخضری، ۱۴۲۹: ۷)

اگر بخواهیم به‌طور ریشه‌ای‌تر به عوامل شکل‌گیری جنبش الحوثی بپردازیم باید به عوامل داخلی و خارجی به‌طور جداگانه توجه کنیم. از عوامل داخلی در این زمینه می‌توان به ریشه‌های

۱. سلفی به گروهی از مسلمانان اهل سنت گفته می‌شود که به دین اسلام تمسک جسته و خود را پیرو سلف صالح می‌دانند و در عمل و اعتقادات خود از پیامبر اسلام ﷺ، صحابه و تابعین تبعیت می‌کنند. سلفی‌ها تنها قرآن و سنت را منابع احکام و تصمیمات خود می‌دانند. (Lauziere, 2010: 369-389)

سیاسی تشیع و مفهوم انحصاری امامت اشاره کرد که به مذهب شیعه و نسل سادات فاطمی منحصر است؛ به نحوی که بدرالدین الحوثی می‌گوید: «انتخابات و دموکراسی یک راه است و امامت راه دیگر» این نشان‌دهنده تعریف خاصی از مشروعیت در اندیشه سیاسی حوثی هاست. (دغشی، ۱۳۸۸: ۴۲) از عوامل دیگر داخلی، نحوه برخورد علی عبدالله الصالح با جریان‌های داخلی مذهبی بالاخص شیعیان بوده که تنش‌های فراوان داخلی را به وجود آورده است. نداشتن حق تأسیس مدارس دینی برای شیعیان، آزار و شکنجه و زندانی کردن شیعیان و علمای شیعه، جلوگیری از برگزاری مراسم و آیین‌های تشیع از جمله ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های دولت یمن علیه شیعیان بوده است. (مسعودنیا و توسلی، ۱۳۹۱: ۱۳۳)

مهم‌ترین عامل خارجی که محرک مهمی در به راه افتادن جریان‌های ضد حکومتی شیعی در دهه ۹۰ میلادی شد، دخالت‌های وهابیون بود که توسط آمریکا و عربستان حمایت می‌شدند. یحیی الحوثی، برادر بزرگ عبدالملک الحوثی (رهبر فعلی انصارالله) در بیانیه‌ای اعلام کرده بود که جنبش الحوثی مقاومتی است در برابر هجوم فرقه سلفی به اصول شیعیان زیدیه. (Sultan, 2010: 3) جریان حوثی در یمن به «جنبش انصارالله» نیز معروف است که البته مقدمات ظهور این جنبش را می‌توان به دو بخش اصلی تقسیم کرد: تأسیس انجمن شباب المؤمن (جوانان مؤمن) و بخش دوم ندای الصرخه (فریاد) از جانب حسین بدرالدین الحوثی.

درباره تاریخ تأسیس «انجمن شباب المؤمن» به علت مخفیانه بودن فعالیت‌هایش در آغاز کار، اختلاف نظر وجود داشته، اما بین سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ میلادی ذکر شده است. این انجمن به همت برخی از علمای زیدیه از جمله صلاح احمد، بدرالدین الحوثی و فرزندانش و به منظور تقویت مذهب زیدیه و جلوگیری از بروز تفرقه در این مذهب تأسیس شد. در این انجمن تلاش می‌شد تا برای جوانان و به‌ویژه دانشجویان یمنی، کارگاه‌ها، کلاس‌ها و جلسات مختلف، با برنامه‌ای منظم در چارچوب فرهنگی و آموزشی برگزار شود. این فعالیت‌ها از جانب جوانان با استقبال خوبی مواجه شد و علاوه بر استان صعده که هسته مرکزی انجمن را در خود جای داده بود، در برخی استان‌های دیگر نیز شعبه‌هایی دایر کرد تا جایی که هجده هزار دانشجو در این مرکز به این انجمن پیوستند. (ربیعی فر و نژاد محمد، ۱۳۹۴: ۴۱ - ۴۰) یکی از عوامل اصلی ایجاد این انجمن، مقابله با نفوذ روزافزون تفکر وهابیت در یمن بود.

«ندای الصرخه» اشاره به سخنرانی معروف حسین الحوثی در تاریخ ۱۷ ژانویه ۲۰۰۲ در مدرسه الهادی در منطقه المران دارد که نقطه عطفی در مبارزه با استکبار از سوی یمنی‌ها محسوب می‌شود. در این سخنرانی، وی از حضار می‌خواهد که اگر از دستشان بر نمی‌آید که کاری برای مظلومان عالم انجام دهند، لااقل یک‌پارچه شعار سردهند و از آن زمان شعار معروف انصارالله «الله اکبر، الموت

لامریکا، الموت لاسرائیل، اللعنه علی البهود، النصر للأسلام» در یمن فراگیر شد. (جمعی از نویسندگان، ۲۰۱۰: ۲۹ - ۲۸) سخنرانی‌های شهید حسین الحوثی اکثراً در دورانی است که هنوز جنگ در یمن آغاز نشده و علی عبدالله صالح هنوز در گیرودار تبعیت اتحاد دو یمن شمالی و جنوبی است. عدالت و استکبارستیزی از نکات مهمی است که حسین الحوثی از روش زندگی و شعارهای امام خمینی دریافت کرده است. وی که مفسر قرآن نیز بود، تفسیر «اعدلوا هو اقرب للتقوی» و «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» را در روش مبارزه و جهاد امام خمینی می‌داند تا جایی که می‌گوید: دیدیم امام خمینی چگونه غرب را شکست داد. چگونه آنها را وحشت زده کرد و چگونه به لرزه درآورد». (<http://www.mashreghnews.ir>)

جنبش الحوثی‌ها از سال ۲۰۰۴ میلادی جنگ‌های خود را با دولت یمن آغاز کرده و تاکنون ۶ جنگ را با این دولت انجام داده است. حسین الحوثی از سال ۲۰۰۳ به طور فزاینده علیه اقدامات دولت سخنرانی می‌کرد و تظاهرات ضد دولتی و ضد آمریکایی به راه می‌انداخت. دولت عبدالله صالح در جریان دستگیری او در سپتامبر ۲۰۰۴ الحوثی را به قتل رساند. (www.criticalthreats.org) جنگ اول تا ششم صده (از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ میلادی) همگی دربر دارنده یک نکته بود و آن چیزی است که محمد عبدالسلام، سخنگوی جنبش الحوثی گفت: «حسین بدرالدین الحوثی بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر به ارشاد مردم و ترویج فرهنگ قرآنی و همچنین مقابله با هجمه فرهنگی، سیاسی و نظامی آمریکا دست زد و از مسلمانان خواست تا علیه این هجمه، موضع‌گیری قاطعی صورت دهند تا جایی که این ارشادات به برپایی تظاهرات با شعار «الله اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل و پیروزی از آن اسلام است» منجر شد و به اقدام مردم مبنی بر تحریم کالاهای آمریکایی و اسرائیلی منتهی گردید و مردم به دور از تعصبات مذهبی و به صورت مسالمت آمیز و بدون هدف قرار دادن احدی و البته براساس فرهنگ قرآنی با هجمه آمریکا به مقابله پرداختند. لبّ سخن عبدالسلام چیزی جز مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب و آمریکا و وهابیت و حفظ ارزش‌های قرآنی نیست که در پاسخ به این سؤال که چگونه اوضاع صده آرام می‌شود گفت: «ما می‌خواهیم فرهنگ قرآنی را بدون هرگونه اجبار و یا اعتراضی براساس آزادی فکر و اندیشه و آزادی بیان محقق سازیم؛ چون ما در برابر خدا مسئولیم و براساس آنچه که در قرآن آمده، باید در برابر اسرائیل و آمریکا بایستیم. (www.criticalthreats.org)

پس از آنکه حسین الحوثی در اولین جنگ با دولت یمن به شهادت رسید، این گروه خود را انصارالله نامید و به دلیل کسب موفقیت‌های مختلف نظامی به بازیگر صحنه سیاسی یمن تبدیل شد. هم‌اکنون انصارالله در کنار ارتش یمن بر عمده مناطق یمن تسلط دارد. همچنین محمد علی الحوثی، رئیس کشور فعلی یمن نیز متعلق به همین جنبش است.

ه) انقلاب اسلامی و جنبش الحوثی‌ها

در تحلیل‌های سیاسی معاصر، عامل اصلی تحولات فکری و اجتماعی دو سده اخیر جوامع اسلامی، روبرو شدن مسلمانان با فرهنگ و تمدن جدید غربی و پی بردن آنها به عمق عقب‌ماندگی خود در برخی زمینه‌ها در برابر غرب دانسته می‌شود. اما اگر دقیق‌تر بخواهیم به نقطه آغاز این تحولات بازگردیم، باید به عملکرد استعماری غرب اشاره کنیم؛ زمانی که غرب به دلیل برخوردار شدن از علم و تکنولوژی پیشرفته، با کمبود منابع طبیعی و بازار برای عرضه محصولات خود مواجه بود و همین دلیل، مبنای به وجود آمدن اندیشه استعماری گردید. غرب به این منظور، سرزمین‌های وسیعی از جهان بالاخص منطقه جنوب شرق آسیا و جهان اسلام را به استعمار خود درآورد، اما این تهاجم گسترده که بیش از گذشته به ابزار فرهنگی نیز مجهز بود، واکنش فکری و فرهنگی کشورهای تحت استعمار - که بخشی از آنها جهان اسلام بود - را در پی داشت و هم زمینه‌ای برای ایجاد تحولات سیاسی - اجتماعی در این کشورها را فراهم آورد.

در واقع تحولات مربوط به بیداری اسلامی (به معنای عام) که البته نمی‌توان به‌طور دقیق برای آن آغازی متصور شد، تقریباً از اوایل قرن ۱۹ میلادی با کوشش برای مواجهه با تمدن غرب آغاز شد و تا کنون با طرح آرا و افکار گوناگون درباره حکومت اسلامی و اسلام، به‌منزله عقیده‌ای جهان شمول و راهنمای عمل و نیز با تبیین جایگاه اسلام در دنیای جدید ادامه دارد. وقوع انقلاب اسلامی در ایران تبلور یکی از این افکار و آرا بود که در سال ۱۳۵۷ به جهان عرضه شد و به علت تطابق بسیار دقیقی که با مفاهیم اصیل اسلامی داشته و از انحرافات به وجود آمده در سایر فرقه‌های مختلف اسلامی در استنباط و برداشت‌های مختلفشان از مفهوم ولایت و خلافت به دور بوده است، مورد استقبال بسیاری از نظریه‌پردازان و حتی رهبران جهان اسلام قرار گرفت. تأثیرپذیری رهبران و عناصر اصلی تشکیل‌دهنده جنبش انصارالله یمن (در شکل صدور پخشی انقلاب) از این افکار و آرا، موضوعی است که به آن خواهیم پرداخت.

یک. رابطه ایران و یمن

پیش از ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان سه مرکز تمدنی وجود داشته است: اولی در شمال غرب در اطراف «مداین صالح»؛ دومی در بحرین و در جایی که امروزه به عنوان امارات متحده عربی شناخته می‌شود؛ و سومی که پیشرفته‌ترین آنها بود، در یمن قرار داشت. اجداد یمنی‌ها؛ یعنی قحطانیان با اجداد قبایل شمال شبه جزیره؛ یعنی عدنانیان متفاوت بوده است. (امیردهی، ۱۳۸۸: ۱۸۸)

در این زمان رابطه خوبی بین ایرانیان و یمنی‌ها اتفاق افتاد و آن هم طلب کمک نمایندگان مردم

یمن از انوشیروان برای رهایی از حکومت حبشی هاست که پس از کش و قوس های فراوان تا سال ۶۳۲ میلادی تحت نفوذ ایرانیان بود و رابطه خوبی بین ایرانیان و یمنی ها در این دوره شکل گرفته بود. (کریملو، ۱۳۷۴: ۱۴۳)

در واقع رابطه ایران با یمن به دوران ظهور اسلام و اواخر عصر ساسانیان بازمی گردد که در این زمان بستر مشترک معنوی (اسلام) ظهور کرد که به این تعامل، وسعت و عمق بیشتری بخشید. از جمله عوامل پیوند دهنده دو کشور یمن و ایران به هم، علاقمندی و اظهار ارادت به خاندان پیامبر گرامی اسلام ﷺ، گرایش به خردگرایی معتزلی و وجود حکومت های زبیده در طول تاریخ ایران و یمن بوده است. ایرانیان و مردم یمن در سایه تشیع و محبت به خاندان پاک پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ و با برخورداری از روحیه خردگرا و قشری ستیز از یک سو و روحیه گفتگو، تسامح و وسعت منظر از دیگر سو توانستند بزرگترین عالمان مسلمان را به جهان اسلام عرضه کنند و دانش اسلامی را تعمیق و گسترش دهند. (انصاری قمی، ۱۳۸۰: ۱۹)

البته این رابطه در دوره های مختلف دچار افت و خیزهای بسیاری شد. قبل از سرنگونی حکومت پهلوی و وقوع انقلاب اسلامی در ایران، رابطه ایران و یمن بسیار محدود و صرفاً به کمک ایران به حکومت عمان در سرکوب جنبش ظفار (کمونیست های مورد حمایت یمن جنوبی) معطوف بود، اما بعد از انقلاب، و به دلیل ماهیت ایدئولوژی تشیع که آرمان شیعیان زیدی بود، این رابطه بسیار نزدیک تر شد. اما چون حکومت وقت، مخالف سرسخت ایران بود، هر قدر شیعیان زیدی و حوثی های یمن بیش تر جانب دار ایران می شدند، به آنها بیش تر سخت می گرفت.

بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران، جهت گیری سیاست خارجی یمن شمالی و جنوبی نسبت به ایران دچار تلاطم شد. یمن شمالی به رهبری علی عبدالله صالح جز اولین کشورهایی بود که در ۲۵ بهمن ۵۷ جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخت و سفیر این کشور به دیدار امام خمینی آمد و یک جلد کلام الله مجید را از طرف صالح به امام تقدیم نمود. اما با آغاز جنگ تحمیلی، یمن شمالی با توجه به روابط نزدیکی که با کشورهای مرتجع عرب داشت، رفتار محافظه کارانه ای را در پیش و در کنار کشورهای حوزه خلیج فارس قرار گرفت. در طرف مقابل، یمن جنوبی، به رهبری علی ناصر محمد، جزء معدود حامیان ایران در این جنگ هشت ساله بود. حتی دولت یمن جنوبی پس از وقوع انقلاب برای نشان دادن حسن نیت خود، یک خلبان اسیر ایرانی را که از سال ۱۹۶۷ میلادی به علت سقوط هواپیمایش در مرز ظفار دستگیر شده بود، با وساطت جبهه آزادی بخش خلق عمان آزاد نمود. (امیردهی، ۱۳۸۹: ۱۲۷)

دو. تأثیرپذیری اندیشه‌ای جنبش از انقلاب اسلامی

داشتن پشتوانه اندیشه‌ای موجب حیات و یا از بین رفتن یک جریان می‌شود. به عبارت دیگر اگر جنبشی از پشتوانه فکری و اندیشه‌ای مناسبی حمایت نشود، نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. دکتر عصام العماد^۱ یکی از مفتیان سابق وهابیت که به تشیع گرویده است، می‌گوید: «اگر انقلاب اسلامی ایران به وقوع نپیوسته بود، مذهب زیدی در یمن از بین رفته بود. فقط با وقوع انقلاب اسلامی و انتشار کتاب‌های شیعه در یمن، زیدی‌ها به مذهب زیدی برگشتند.» (<http://www.hawzah.net>) انقلاب اسلامی نه تنها موجب مراجعت مجدد به زیدیه شد، بلکه موجب گردید تا اصول جهادی موجود در فرهنگ مذهبی آنان پر رنگ‌تر از گذشته نمود یابد و جنبش الحوثی از دل گروه‌های شیعی این کشور به یکی از مهم‌ترین نیروهای سیاسی - مذهبی یمن تبدیل شود. یکی از افراد تأثیرگذار یمن که تحت تأثیر افکار و شخصیت امام خمینی قرار گرفت، سید حسین بدرالدین الحوثی بود (تلاشان، ۱۳۹۱: ۱۷) که فعالیت سیاسی وی مورد اشاره قرار گرفت.

چنان‌که گذشت، مهم‌ترین ویژگی «امام» از نظر زیدیان، قیام مسلحانه و علنی علیه ستمگران است. به اعتقاد زیدیه تنها امامت سه امام علی، حسن و حسین علیهم‌السلام از سوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تعیین و ابلاغ شده بود و بعد از ایشان امامت از آن فردی از فرزندان حضرت فاطمه علیها‌السلام است که به جهاد علنی و قیام علیه ستمگران بپردازد. از این‌رو برخی، زیدیه را با عنوان شیعه سه امامی خوانده‌اند. براساس این عقیده امامت علی بن الحسین علیه‌السلام و سایر امامان امامیه که به قیام علنی نپرداختند، مورد قبول زیدیان نیست و به جای آن، افرادی از نسل فاطمه علیها‌السلام که قیام کردند، امامان زیدی به‌شمار می‌روند. مانند زید بن علی، یحیی بن زید، محمد بن عبدالله بن حسن (نفس زکیه) و ابراهیم بن عبدالله. (برنجکار، ۱۳۷۸: ۸۹ - ۸۸) به باور اتباع این فرقه چنانچه امام ظهور کرد، پیروی از وی امری واجب است. با توجه به مباحث اعتقادی زیدی‌ها، از نظر بسیاری از آنها امام خمینی امام زمانه خود بود که تمامی صفات و ویژگی‌های امامت در ایشان هویدا بود. به همین دلیل پیروی از امام خمینی و انقلاب اسلامی برای بسیاری از آنها مسئله‌ای اعتقادی و مربوط به باور آنها بود.

در واقع نقطه اشتراک اصلی الحوثی‌ها و انقلاب اسلامی ایران در موضوعاتی چون قرابت اندیشه فقه امامیه با فقه زیدیه، اندیشه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و رهبری انقلاب در باب استکبارستیزی، مقابله با وهابیت می‌باشد. مذهب زیدی و شیعه دوازده امامی در مباحث فقهی از

۱. وی اهل یمن است که قبلاً دارای مذهب اهل سنت بوده و سپس به تشیع گرویده است. عماد که متولد سال ۱۹۶۸ میلادی و دارای دکترای علوم حدیث از دانشگاه عربستان سعودی می‌باشد، اکنون در مقطع خارج فقه و اصول، در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل است.

مشترکات زیادی برخوردارند. زیدی‌ها به ولایت و عصمت ۵ تن از اهل بیت، خلافت علی بن ابی‌طالب علیه السلام، امامت امامان از نسل امام حسین علیه السلام و ظهور قائم علیه السلام و قیام جهانی او و بایستگی یاری به او باور دارند. همچنین شعار معروف انصارالله که در حال حاضر به شعار محوری جریان مقاومت در این کشور تبدیل شده است، مبین مواضع این جنبش در قبال آمریکا و استکبار جهانی است. این مسئله در سخنان امام خمینی و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز تبلور دارد. تقابل دو جریان با وهابیت به‌عنوان فرقه‌ای ضاله از اهل سنت حنبلی نیز وجه اشتراک اندیشه‌ای سوم این دو است.

برخی علمای برجسته انصارالله در درس‌های اخلاق و عرفان خود از کتاب‌های عرفانی و اخلاقی امام خمینی بهره می‌بردند که از آن جمله سید بدرالدین الحوثی است که بعد از نماز مغرب و عشا در مسجد، جلسه تفسیر و اخلاق برگزار می‌کرد و به کتاب *چهل حدیث* امام خمینی علاقه وافری داشت و در کلاس‌های درس خود از آن بهره می‌برد. (<http://www.hawzah.net>) لذا مطابق تئوری پژوهش می‌توان گفت حسین الحوثی و جریان حوثی‌ها با الهام از اندیشه امام خمینی، مبتنی بر نظریه پخش؛ آن هم از نوع واگیردار، متأثر از دیدگاه‌های انقلاب اسلامی شده‌اند.

در سال ۱۹۸۶ میلادی سید حسین الحوثی به همراه داماد خود به ایران سفر کرد. وی تلاش زیادی کرد تا خود را به خاک ایران برساند، چون ایران در آن زمان در حال جنگ و تدابیر امنیتی سختی برقرار بود و سید نیز در آن زمان شخصیت معروفی نبود. حدود یک ماه در سوریه ماند تا توانست کانالی برای انتقال به ایران بیابد. اقامت وی در ایران ۱۸ روز بود که در این مدت با علمای عراق و ایران ملاقات کرد. همین دیدار حسین الحوثی به‌عنوان شخصیت اول الحوثی‌ها از ایران و شهر قم و بازگشت تأثیرگذارش به یمن نشان دهنده تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر جنبش انصارالله مبتنی بر نظریه پخش از نوع جابجایی است.

وی در سخنرانی معروفی که در یکی از جلسات قرآن بیان می‌کند، ۹ بار از امام خمینی اسم می‌آورد و به آرا و اندیشه‌های او اشاره می‌کند. از جمله اینکه «امام خمینی چرا آمریکا را شیطان بزرگ می‌داند؟ چون حامی و پشت همه شرهاست. چون از یهود خط می‌گیرد و در قرآن کریم وصف یهود به صراحت آمده که جز فساد انجام نمی‌دهند. امام خمینی می‌خواهد که اعراب و مسلمانان را از زیر هیمنه آمریکا و استکبار برهاند». (<http://www.abojebriil.com>)

پیروان این فرقه امروز با تلاش‌های «سید بدرالدین الحوثی» و فرزند شهیدش «سید حسین الحوثی» بیش از هر زمان دیگر به تشیع نزدیک هستند. پس از قیام امام خمینی بیش از یک میلیون نفر در یمن شیعه شدند که این امر نشان‌دهنده تأثیر انقلاب اسلامی در منطقه است. نیز بسیاری از شیعیان یمن پیروان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شده و شیعیان دوازده امامی یمن که قبل از آن بسیار

کمیاب بودند، جهش جمعیتی یافتند. (<http://www.mashreghnews.ir>)

سید حسین الحوثی فرهنگ عاشورا را که قبلاً در یمن نبود، به زیدیه تزریق کرد و محرم را به عنوان ماه عزا در یمن مطرح و سعی کرد روش جدیدی در فرهنگ مردم ایجاد کند. بعد از ظهور جنبش حوثی‌ها تنش میان دوازده‌امامی‌ها و زیدی‌ها بسیار کاهش یافت. به علاوه، الحوثی‌ها یک سازمان به نام «اتحاد شیعیان جزیره العرب» ایجاد کردند که اعضای آن را دوازده‌امامی‌ها و زیدی‌ها تشکیل می‌دهند. (<http://www.hawzah.net>)

سه. تأثیرپذیری جریان‌های جنبش از انقلاب اسلامی

ایرانی‌ها در اسلام آوردن مردم یمن و گرایش ایشان به مذهب تشیع، نقش مؤثر و غیرقابل انکاری داشته‌اند. یحیی بن حسین پس از ناکامی در قیام خود ضد دولت عباسی در طبرستان ایران، به یمن گریخت و نخستین دولت زیدی در صعده را تشکیل داد. زیدی‌ها امام زاده سید جلال‌الدین اشرف در شهرستان آستانه اشرفیه در گیلان و امام‌زاده هاشم در مازندران را از امامان «قائم به سیف» می‌دانند و از ائمه خود برمی‌شمارند. همچنین تربیت ناصر اطروش و ناصر کبیر در شمال ایران برای زیدی‌های یمن دارای اهمیت بسیار است. امروزه جنبش انصارالله در مواضع سیاسی خود علیه استبداد و استکبار در قالب گفتمان مقاومت اسلامی و همسو با ایران عمل می‌کند.

حسین الحوثی در بیشتر سخنرانی‌های خود، از امام خمینی و انقلاب نام می‌برد و علاقه شدیدی به جریان‌های شیعی مانند حزب الله لبنان و سید حسن نصرالله داشت. این عالم دینی قصد داشت با محوریت تشیع و ترویج افکار امام خمینی در زمینه‌هایی همچون مبارزه با آمریکا و اسرائیل، روحیه آگاهی بخشی و بیداری را در جوانان و نوجوانان کشورش برانگیزاند و نهایتاً هم در همین راه در جنگ دولت یمن با حوثی‌ها به شهادت رسید. (تلاشان، ۱۳۹۱: ۱۷)

این حقیقت که انصار الله از تجارب سازمان دهی، سیاسی و مبارزاتی حزب الله لبنان (متاثر از انقلاب ایران) الگوبرداری کرده، امری غیر قابل انکار است. حدود دو دهه فعالیت‌های تربیتی، آموزشی و ایدئولوژیکی در کنار فعالیت‌های خیریه و بشر دوستانه به انصار الله نفوذ قابل توجهی به این جنبش در میان بسیاری از احاد ملت یمن بخشیده است؛ جایگاهی که نه تنها توطئه‌های مذهبی بلکه صف‌بندی‌های قبیله‌ای نیز نتوانسته است آن را تحت تأثیر خود قرار دهد. این روند مشابه روندی است که در رابطه با حزب الله در لبنان رقم خورده است.

شهید حسین الحوثی با یاد امام خمینی می‌گوید: امام خمینی امامی عادل و متقی است، لذا دعوتش رد کردنی نیست. (<http://www.abojebriil.com>) پس از پیروزی انقلاب اسلامی در

ایران، از نظر الحوثی و پدرش و بسیاری از یمنی‌ها، امام خمینی شخصیت محبوبی بود و با انقلاب خود ارزش‌هایی را که زیدی‌های یمن براساس آن تربیت شده بودند، تقویت کرد؛ تا جایی که بسیاری از علمای یمن اعلام می‌کردند، امام خمینی زیدی است؛ زیرا زیدی‌ها تفکری انقلابی دارند و اصول این دین عبارت است از اینکه باید علیه ظالم قیام کرده و امر به معروف و نهی از منکر کرد. یمنی‌ها از جمله خانواده حوثی‌ها دوستار انقلاب اسلامی و امام خمینی بودند و به او به‌عنوان آزادی‌خواه چشم امید داشته و بر این باور بودند که ایشان مفاهیم قرآنی را برای مردم یادآوری کرده و آرزوی برپایی دولت اسلامی عادلانه به دور از سلطه جویی شرق و غرب را زنده کرده است. برخی کارشناسان، قدرت کنونی انصارالله را در ضعف و ناتوانی دولت یمن در ابعاد مختلف سیاسی و نظامی می‌دانند و معتقدند سرگرم شدن دولت به اختلافات داخلی که از سال ۲۰۱۱ میلادی یمن با آن دست به گریبان بود، باعث شد تا انصارالله قدرتی چند برابر پیدا کند. بسیاری از مردم یمن نیز انصارالله را در چهره منجیان آنها از ظلم و فقر و دیکتاتوری می‌بینند. اقدامات جنایت‌کارانه سلفی‌ها نیز باعث شد تا بسیاری از مردم یمن به سوی جریان متضاد آن که علاوه بر میانه روی، حمایت‌های اجتماعی و خیریه‌ای ارائه می‌کند، گرایش پیدا کنند. انصارالله همواره تأکید دارد که جریان آنها جنبشی اصلاحی، مسالمت‌آمیز و مدنی است که هرگز خشونت طلب نبوده و اعمال قدرت را ابزاری راهبردی برای تحقق اهداف نمی‌داند.

نتیجه

در جهان معاصر، اغلب کشورهایی منطقه غرب آسیا به‌عنوان کشورهای عقب مانده محسوب می‌شوند و روند پیشرفت آنها از جنبه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و بالاخص جنبه حکمرانی و سیاسی با مشکل مواجه شده است. لذا این کشورها سه انتخاب در مقابل خود دارند. یک اینکه به وضعیت کنونی راضی باشند و از قرار گرفتن در روند پیشرفت صرف نظر نمایند. دوم اینکه تحت تأثیر القای قدرت‌های بزرگ و تبلیغات رسانه‌ای تنها راه پیشرفت خود را در تن دادن به طرح و برنامه‌های غربی و به عبارت دیگر وابستگی بدانند و یا اینکه مانند مردم ایران راه استقلال را برگزینند و خود درباره آینده‌شان خود تصمیم بگیرند. به نظر می‌رسد پدیده بیداری اسلامی مبین انتخاب راه سوم است.

اگرچه مدیریت و نفوذ جریان سلفی و تکفیری تا حدی توانسته است وضعیت تحولات غرب آسیا از سال ۲۰۱۱ تاکنون را منحرف کند (Khamenei.ir: ۱۳۹۳/۹/۴)، در برخی کشورها مانند یمن این روند رو به رشد است و همچنان ادامه دارد. ریشه یابی مبانی نظری جنبش انصارالله به‌عنوان

جریان اصلی و فعال سیاسی در یمن، مبین این واقعیت است که جریان بیداری اسلامی شکل گرفته در منطقه آسیای جنوب غربی سیر منطقی را طی می‌کند و این روند بعد از انقلاب اسلامی ایران با الگویابی مناسب، در حیطه عمل، وارده شده و تداوم خواهد داشت.

در حال حاضر شیعیان در یمن، هم از بعد سخت‌افزاری (در حیطه به دست آوردن مولفه‌های قدرت سیاسی و نظامی) و هم از بعد نرم‌افزاری (نفوذ کلام در سطح افکار عمومی مردم یمن) از جایگاه مطلوبی برخوردارند و این مسئله، نگرانی بسیار شدید عربستان، همسایه شمالی این کشور را در پی داشته است. قرار گرفتن شیعیان یمن و به‌ویژه طیف حوثی‌ها در چنین جایگاهی ناشی از تأثیرگذاری اندیشه‌ها و جریانات مختلف فکری بر جامعه یمنی به‌ویژه جامعه شیعیان یمن و گروه‌های سیاسی متعلق به این جامعه است

تجربه موفق انقلاب اسلامی ایران که به‌نوعی مطرح‌کننده دغدغه‌های واقعی مردم منطقه که سال‌ها تحت استعمار مستقیم و غیر مستقیم قدرت‌های خارجی بوده، در حال حاضر الگو و نقشه راهی را فراروی آنها قرار داده تا از این طریق بتوانند نیازهای مادی و معنوی خود را دنبال نمایند. براساس شواهد، به نظر می‌آید یکی از جنبش‌هایی که بیشتری انگیزه را برای رسیدن به استقلال در عرصه، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در پیش گرفته است و در وضعیت کنونی در پی آن است تا از گفتمان انقلاب اسلامی در این زمینه بهره‌برد تا از استعمار، رهایی یابد، جنبش انصارالله در یمن است که در الگوپذیری جریانی و اندیشه‌ای از انقلاب اسلامی ایران تأثیرات زیادی را پذیرفته است. آنچه که مسلم است اینکه ایران اسلامی نه با مداخله مستقیم، بلکه مبتنی بر نظریه پخش، از طریق تأثیرگذاری فکری و اندیشه‌ای و الگوسازی جریانی توانسته است بر جنبش انصارالله که امروزه نقش عمده‌ای در بیداری اسلامی یمن ایفا نموده است، تأثیر بگذارد.

منابع و مأخذ

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۳۷۵، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر، داربیروت.
۲. الحوثی، سید بدرالدین، ۱۳۸۴، «حوزه‌های علمیه، شیعیان یمن را دریابید!»، *موعود*، تیر ۱۳۸۴، شماره ۵۴ قابل دسترسی در سایت: <http://www.hawzah.net>
۳. الحوثی، حسین بدرالدین، ۲۰۰۲، *دروس من هدی القرآن الکریم*، قابل دسترسی به آدرس: <http://www.abojebri1.com / p=1063>
۴. الخضری، انور قاسم، ۱۴۲۹ ق، «من دراسته به عنوان: تمرد الحوثی فی الیمن و ابعاد التحالف الشیعی الامر یکی فی المنطقه» منشور بمرکز الجزيرة العربیه للدرسات و البحوث.

۵. العماد، عصام، ۱۳۹۵، مصاحبه، قابل دسترسی در تاریخ ۲۰ / ۴ / ۱۳۹۵ در پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه به آدرس:

<http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/70642/6333/4227>

۶. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۵، *صحیفه امام*، مجموعه آثار امام خمینی، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.

۷. امیردهی، ع.ر، ۱۳۸۸، «یمن از تمدن کهن تا صنعا و عدن»، *اندیشه تقرب*، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۲۱، ۱۱۸.

۸. انصاری قمی، حسن، ۱۳۸۰، «مجموعه طاووس یمانی، نماد حضور ایران در یمن»، *کتاب ماه دین*، شماره ۵۲ - ۵۱.

۹. باروت، جمال و فیصل دراج و دیگران، ۱۹۹۹، *موسوعة الأحزاب و الحركات و الجماعات الإسلامیه*، ج ۱، دمشق، المركز العربی للدراسات الإستراتيجية.

۱۰. برنجکار، رضا، ۱۳۷۸، *آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی*، قم، کتاب طه.

۱۱. پل بون آنفان و گروه نویسندگان، ۱۳۷۹، *شبه جزیره عربستان در عصر حاضر*، ج ۲، ابوالحسن سروق مقدم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۱۲. تالشان، حسن، ۱۳۹۱، «انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر تحولات ژئوپلیتیک شیعه در یمن»، *شیعه‌شناسی*، سال دهم، شماره ۴۰.

۱۳. جعفری، سید حسین محمد، ۱۳۷۲، *تشیع در مسیر تاریخ*، ترجمه سید محمدتقی آیت‌اللهی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.

۱۴. جمعی از نویسندگان، ۲۰۱۰، *الحوثیون سلاح الطائفة و ولایات السیاسه*، دوبی، مرکز المسبار للدراسات و البحوث.

۱۵. دغشی، محمداحمد، ۱۳۸۸، «تبارشناسی الحوثی‌ها»، *دو هفته نامه پگاه حوزه*، شماره ۲۷۰.

۱۶. ربیعی فر، احمد و ابراهیم نژاد محمد، ۱۳۹۴، *پرچم‌های افراشته*، قم، مجد اسلام.

۱۷. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۲، *فروع ابدیت*، ج ۲، قم، انتشارات بوستان کتاب قم، چ ۱۸.

۱۸. سجادی، عبدالقیوم، ۱۳۸۱، «دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام»، *علوم سیاسی*، شماره ۲۰.

۱۹. صفار قمی، محمد بن حسن، ۱۳۶۲، *بصائر الدرجات*، تهران، مؤسسه الاعلمی.

۲۰. کاردان، عباس، ۱۳۹۰، «قیام انقلابی در یمن، زمینه‌ها و موانع داخلی و خارجی»، *فصلنامه عملیات روانی*، شماره ۲۹.
۲۱. کریملو، داوود، ۱۳۷۴، *جمهوری یمن*، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چ ۱.
۲۲. کیامرث، جهانگیر و مرتضی اسماعیلی، ۱۳۹۲، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش بیداری اسلامی شمال آفریقا (۲۰۱۲ - ۲۰۱۰)»، مطالعه موردی کشورهای تونس، مصر و لیبی، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۳، شماره ۱.
۲۳. مسعودنیا، حسین و حسین توسلی، ۱۳۹۱، «بازخوانی جنبش شیعی الحوثی در یمن»، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، شماره ۳، ص ۱۴۲ - ۱۲۵.
۲۴. مشکور، محمدجواد، ۱۳۷۵، *فرهنگ فرق اسلامی*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۵. مظفر، محمدحسین، ۱۳۶۸، *تاریخ شیعه*، ترجمه محمدباقر حجتی، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۶. معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴، *صدر انقلاب از دیدگاه امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۲۷. مفید، شیخ نعمان، *الارشاد*، ج ۱، قم، مؤسسه آل‌البیت.
۲۸. نای، جوزف، ۱۳۸۷، *قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در نظام بین‌الملل*، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۲۹. نخعی، هادی، ۱۳۷۶، *توافق و تزاخم منافع ملی و مصالح اسلامی*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳۰. واعظی محمود، ۱۳۹۰، «بحران‌های سیاسی و جنبش‌های اجتماعی در خاورمیانه»، *نظریه‌ها و روندها*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی.

31. Baer. G., 2003, *Population and Society in the Arab East*, Translated by Hanna Szoke, London: Routledge.
32. Haggatt Peter, 1972, *Geography: A Modern Synthesis*, New York: Harper.
33. <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/348757>.
34. <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ym.html>.
35. <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ym.html>.
36. <https://www.Khamenei.ir> .
37. Lauziere, Henri., 2010, "The Constructio of Salafiyya: Reconsiderng Salafism

From the Perspective Conceptual". International Journal of Middle East Studies (Cambridge University Press (CUP)), no. 03.

38. Palloni, Alberto 2007, .Theories and Models of Diffusion in Sociology.; Center for.
39. Richard L, Morrill and Diane Mannine, 1975, Critical Parameters Of Spatial Diffusion.
40. Sultan, nabil., 2007, "Yemen: Anti-U.S.Militants Increase Attacks on Regime's Forces" Global Information Network. New York: Feb 26.
41. Zimmerman, katherin and Chris Harnisc, 2010, h. "Al Houthi Movement" January 28, 2010. Available: <http://www.criticalthreats.org/yemen/profile-al-houthi-movement>.